



### سیمای سوره کوثر

این سوره سه آیه دارد و در مکه نازل شده و کوچک‌ترین سوره قرآن کریم است.

نام سوره برگرفته از آیه اول است و به معنای خیر کثیر و فراوان می‌باشد. بر اساس روایات متعدّد از شیعه و سنی، عاص بن وائل، پدر عمرو عاص که از بزرگان مشرکان مکه بود، پس از آنکه پسران پیامبر از دنیا رفتند و آن حضرت دیگر پسری نداشت، از روی طعنه و زخم زبان، پیامبر را ابتر و بدون دنباله خواند.

خداوند برای تسلی خاطر پیامبر و پاسخ به این سخن نابجا، سوره کوثر را نازل فرمود و ناکام بودن دشمنان و دوام و بقای نسل و فکر پیامبر را خبر داد. در روایات، برای کسی که این سوره را در نمازهای واجب و مستحب بخواند، سیراب شدن از حوض کوثر در قیامت، وعده داده شده است.<sup>(۱)</sup>

---

۱. تفسیر نورالثقلین.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿۲﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ ﴿۳﴾ إِنَّ  
شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بگزار و  
(شتر) قربانی کن. همانا دشمن تو بی نسل و دم بریده است.

### نکته‌ها:

□ آنجا که خداوند در مقام دعوت به توحید است، ضمیر مفرد به کار می‌برد، همانند ﴿أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾<sup>(۱)</sup> پروردگار شما من هستم، پس مرا عبادت کنید. ﴿أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾<sup>(۲)</sup> من پروردگار شما هستم، از من پروا کنید. ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ﴾<sup>(۳)</sup> همانا من خداوند یکتا هستم. همچنین در مواردی که خداوند کاری را بدون واسطه انجام می‌دهد یا در مقام بیان ارتباط تنگاتنگ خالق با مخلوق است، ضمیر مفرد به کار می‌رود، همانند: ﴿وَأَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾<sup>(۴)</sup> تنها من بخشنده مهربانم. ﴿فَاتَّقِ قَرِيبَ﴾<sup>(۵)</sup> من به بندگانم نزدیکم. اما گاهی آیه در مقام بیان عظمت خداوند و شرافت نعمت است که در این موارد ضمیر جمع همچون «إِنَّا» به کار می‌رود، چنانکه در این آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ زیرا عطای الهی به بهترین خلق خدا، آن هم عطای کوثر، به گونه‌ای است که باید با عظمت از آن یاد شود.

همچنین در مواردی که خداوند کاری را با واسطه انجام می‌دهد، نظیر باران که با واسطه

۳. طه، ۱۴.

۲. مؤمنون، ۵۲.

۱. انبیاء، ۹۲.

۵. بقره، ۱۸۶.

۴. حجر، ۴۹.

تابش خورشید و پیدایش بخار و ابر می‌بارد، از ضمیر جمع استفاده می‌شود، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾<sup>(۱)</sup> ما از آسمان آبی فرو فرستادیم. □ از میان یکصد و چهارده سوره قرآن، چهار سوره با کلمه «إِنَّا» آغاز شده است: سوره‌های فتح، نوح، قدر و کوثر.

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ ما برای تو پیروزی آشکار قرار دادیم.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا﴾ ما نوح را به سوی مردم فرستادیم.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

﴿إِنَّا عَظَمْنَاكَ الْكُوثِرَ﴾ ما به تو کوثر عطا کردیم.

در آغاز یکی از این چهار سوره، از حضرت نوح که اولین پیامبر اولوالعزم است و بعد از حضرت آدم، پدر دوم انسان محسوب می‌شود، سخن به میان آمده است. در آغاز سه سوره دیگر، به نعمت‌های ویژه‌ای همچون نزول قرآن، پیروزی آشکار و عطای کوثر، اشاره شده است. شاید میان این چهار موضوع ارتباطی باشد که یکی رسالت اولین پیامبر اولوالعزم، دیگری نزول آخرین کتاب آسمانی، سومی پیروزی مکتب اسلام و چهارمی تداوم خط رسالت و ابتر نماندن آن را بیان می‌کند.

□ کلمه «کوثر» از «کثرت» گرفته شده و به معنای خیر کثیر و فراوان است. و روشن است که این معنا می‌تواند مصادیق متعددی همچون وحی، نبوت، قرآن، مقام شفاعت، علم کثیر و اخلاق نیکو داشته باشد، ولی آیه آخر سوره، می‌تواند شاهدهی بر این باشد که مراد از کوثر، نسل مبارک پیامبر اکرم است. زیرا دشمن کینه‌توز با جسارت به پیامبر، او را ابتر می‌نامید و خداوند در دفاع از پیامبرش فرمود: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ دشمن تو، خود ابتر است. بنابراین اگر مراد از کوثر، نسل نباشد، برای ارتباط آیه اول و سوم سوره، توجیه و معنایی دل‌پسند نخواهیم داشت.

□ کلمه «ابتر» در اصل به حیوان دم‌بریده و در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که نسلی از او

- به یادگار باقی نمانده باشد. از آنجا که فرزندان پسر پیامبر در کودکی از دنیا رفتند، دشمنان می‌گفتند: او دیگر عقبه و نسلی ندارد و ابتر است. زیرا در فرهنگ جاهلیت دختر لایق آن نبود که نام پدر را زنده نگاه دارد. بنابراین جمله «انّ شاتئک هو الابر» دلیل آن است که مراد از کوثر، نسل کثیر پیامبر است که بدون شک از طریق حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد.
- این نسل پر برکت از طریق حضرت خدیجه نصیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شد. آری خدیجه مال کثیر داد و کوثر گرفت. ما نیز تا از کثیر نگذریم به کوثر نمی‌رسیم.
- فخررازی در تفسیر کبیر می‌گوید: چه نسلی با برکت‌تر از نسل فاطمه که مثل باقر و صادق و رضا از آن برخاسته است و با آنکه تعداد بسیاری از آنان را در طول تاریخ، به خصوص در زمان حکومت بنی‌امیه و بنی‌عبّاس شهید کردند، اما باز هم امروز فرزندان او در اکثر کشورهای اسلامی گسترده‌اند.
- در زمانی که خبر تولّد دختر سبب اندوه پدر می‌شد، به گونه‌ای که صورتش از غصه سیاه گشته و به فکر فرو می‌رفت که از میان مردم فرار کند یا دخترش را زنده به گور کند: «یتواری من القوم ام یدسه فی التراب»<sup>(۱)</sup> در این زمان قرآن به دختر لقب کوثر می‌دهد تا فرهنگ جاهلی را به فرهنگ الهی و انسانی تبدیل کند.
- بر اساس روایات، نام یکی از نه‌رها و حوض‌های بهشتی، کوثر است و مؤمنان از آن سیراب می‌شوند. چنانکه در روایت متواتر ثقلین نیز پیامبر فرمود: «انّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض» کتاب و عترت از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا آنکه در قیامت، در کنار حوض به من ملحق شوند.
- کوثر الهی، به جنسیت بستگی ندارد؛ فاطمه، دختر بود اما کوثر شد. به تعداد کثیر بستگی ندارد؛ فاطمه، یک نفر بود اما کوثر شد. آری خداوند می‌تواند کم را کوثر و زیاد را محو کند.
- خداوند از اولیای خود دفاع می‌کند. به کسی که پیامبر را بی‌عقبه می‌شمرد، پاسخ قوی و عملی می‌دهد. وجود فاطمه پاسخ عملی و جمله «هو الابر» پاسخ قوی است. خداوند نه

تنها از اولیای خود، بلکه از همه مؤمنان دفاع می‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾<sup>(۱)</sup>

□ هدیه کننده خداوند، هدیه گیرنده پیامبر و هدیه شده فاطمه است. لذا عبارت ﴿إِنَّا اعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ﴾ به کار رفته که بیانگر عظمت خداوند و بزرگی هدیه اوست.

□ هر چه ضربه به دین و مقدّسات دینی شدیدتر باشد، دفاع هم باید قوی‌تر باشد. به پیامبر اسلام جسارت‌های زیادی کردند و او را ساحر، کاهن، شاعر و مجنون خواندند که همه آنها به نحوی در قرآن جبران شده است.

به پیامبر گفتند: ﴿أَتَاكَ لِمَجْنُونٍ﴾<sup>(۲)</sup> تو جنّ زده‌ای، ولی خداوند فرمود: ﴿مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ﴾<sup>(۳)</sup> به لطف الهی تو مجنون نیستی.

به آن حضرت گفتند: ﴿كَلِمَاتٍ مُّسَلَّاتٍ﴾<sup>(۴)</sup> تو فرستاده خدا نیستی، خداوند فرمود: ﴿أَتَاكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾<sup>(۵)</sup> قطعاً تو از پیامبرانی.

به حضرت نسبت شاعری و خیالیافی دادند: ﴿لشاعر مجنون﴾<sup>(۶)</sup> خداوند فرمود: ﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ﴾<sup>(۷)</sup> ما به او شعر نیاموختیم و برای او سزاوار نیست.

گفتند: این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازار راه می‌رود: ﴿وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ﴾<sup>(۸)</sup> خداوند فرمود: پیامبران پیش از تو نیز غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا أَنَّهُمْ لِيَأْكُلُوا الطَّعَامَ وَيَمْشُوا فِي الْأَسْوَاقِ﴾<sup>(۹)</sup>

به آن حضرت ابتر گفتند، خداوند فرمود: ﴿إِنَّ شَأْنَكَ هُوَ الْإِبْتَرُ﴾.

آری، پاسخ کسی که به اشرف مخلوقات ابتر بگوید، آن است که خداوند به او کوثری عطا کند که چشم همه خیره و عقل همه مبهوت شود.

□ خداوند مصداقی برای کوثر در آیه نیاورد تا همچنان مبهم بماند تا شاید اشاره به این باشد که عمق برکت کوثر عطا شده حتی برای خود پیامبر اکرم در حاله‌ای از ابهام است.

۱. حج، ۳۸.	۲. حجر، ۶.	۳. قلم، ۲.
۴. رعد، ۴۳.	۵. یس، ۳.	۶. صافات، ۳۶.
۷. یس، ۶۹.	۸. فرقان، ۷.	۹. فرقان، ۲۰.

□ در این سوره دو خبر غیبی نهفته است: یکی عطا شدن کوثر به پیامبر، آن هم در مکه‌ای که حضرت دست خالی بود و فرزند پسر نداشت، دیگر ابتر ماندن دشمن که دارای فرزندان و ثروت‌های بسیار بود.

□ تاریخ و آمار بهترین شاهد بر کوثر بودن این عطیه الهی است. هیچ نسلی از هیچ قومی در جهان، به اندازه نسل حضرت فاطمه علیها السلام رشد و شکوفایی نداشته است. خصوصاً اگر کسانی را که مادرشان سید است، از سادات به حساب آوریم، آمار سادات در جهان نشانه معجزه این خبر غیبی است.

□ عطا کردن کوثر به شخصی مثل پیامبر، زمانی معنا دارد که عطا کننده سرچشمه علم و حکمت و قدرت و رحمت باشد. بنابراین عطای کوثر نشانه صفات و کمالات الهی است.

□ در این سوره که سه جمله بیشتر ندارد، پنج بار شخص پیامبر مورد خطاب قرار گرفته است. زیرا علاوه بر ضمیر کاف «ك» «اعطیناك»، در خطاب «صل» و «لربك» دو بار و در عبارت «انحر» و «شانتك» نیز دو بار، پیامبر مخاطب است. «اعطیناك، فصل، لربك، انحر، شانتك»

در سراسر قرآن نیز، بیش از دویست بار خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «ربك» با آن که او پروردگار تمام هستی: «رب كل شیء»<sup>(۱)</sup> و پروردگار همه‌ی مردم است: «رب الناس»<sup>(۲)</sup>، ولی از میان واژه‌های «رب» کلمه «ربك» بیش از همه به کار رفته و این نشانه آن است که خداوند بر پیامبرش عنایت خاصی دارد.

چنانکه نمونه این عنایت ویژه را در آیات دیگر نیز مشاهده می‌کنیم، مثلاً خداوند نام اعضا و جوارح پیامبر را در قرآن مطرح کرده است: چهره‌ات: «وجهك»<sup>(۳)</sup>، زیانت: «لسانك»<sup>(۴)</sup> چشمانت: «عینيك»<sup>(۵)</sup> گردنت: «عنقك»<sup>(۶)</sup> دستانت: «یدك»<sup>(۷)</sup> سینه‌ات: «صدرك»<sup>(۸)</sup> کمرت: «ظهرك»<sup>(۹)</sup>

□ الطاف خداوند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، گاهی با درخواست آن حضرت صورت گرفته است،

- |                |              |               |
|----------------|--------------|---------------|
| ۱. انعام، ۱۶۴. | ۲. ناس، ۱.   | ۳. بقره، ۱۴۴. |
| ۴. قیامت، ۱۶.  | ۵. حجر، ۸۸.  | ۶. اسراء، ۲۹. |
| ۷. اسراء، ۲۹.  | ۸. اعراف، ۲. | ۹. ضحی، ۳.    |

نظیر ﴿قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾<sup>(۱)</sup> پروردگارا! مرا از نظر علمی توسعه بده. اما کوثر هدیه‌ای الهی بود که بدون درخواست، به پیامبر عزیز داده شد.

### کوثر چیست؟

از آیه آخر سوره، یعنی ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ استفاده می‌شود که مراد از کوثر چیزی ضد ابتر است و از آنجا که عرب به افراد بی‌عقبه و بی‌نسل که فرزند پسر ندارند و با مردن، آثارشان محو می‌شود، ابتر می‌گویند، بهترین مصداق برای کوثر، ذریه پیامبر است که امامان معصوم از نسل فاطمه می‌باشند. البته کوثر، معنایی عام دارد و شامل هر خیر کثیر می‌شود. □ اگر مراد از کوثر، علم باشد، همان چیزی است که پیامبر مأمور به خواستش بود. ﴿قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾

اگر مراد از کوثر اخلاق نیک باشد، پیامبر دارای خلق عظیم بود. ﴿أَتَاكَ لَعْلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ﴾<sup>(۲)</sup> اگر مراد از کوثر عبادت باشد، حضرتش به قدری عبادت می‌کرد که آیه نازل شد: ما قرآن را نفرستادیم تا این گونه خود را به مشقت اندازی. ﴿مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾<sup>(۳)</sup> اگر مراد از کوثر نسل کثیر باشد که امروزه بیشترین نسل از اوست.

اگر مراد از کوثر امت کثیر باشد، طبق وعده الهی اسلام بر تمام جهان غالب خواهد شد. ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾<sup>(۴)</sup>

اگر مراد از کوثر شفاعت باشد، خداوند تا جایی که پیامبر راضی شود از امت او می‌بخشد. ﴿وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾<sup>(۵)</sup>

□ هر کثیری کوثر نیست. قرآن می‌فرماید: اموال و اولاد مخالفان، شما را به تعجب و اندازد، زیرا که خداوند اراده کرده آنان را در دنیا از طریق همان اموال و اولاد عذاب کند. ﴿فَلَا تَعْجَبْ أَمْوَالَهُمْ وَ لَا أَوْلَادَهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾<sup>(۶)</sup>

□ در قرآن سوره‌ای به نام کوثر داریم و سوره‌ای به نام تکاثر. اما کوثر ارزش است و تکاثر ضدّ

۱. طه، ۱۱۴. ۲. قلم، ۴. ۳. طه، ۲.  
۴. توبه، ۳۳. ۵. ضحی، ۵. ۶. توبه، ۵۵.



ارزش، زیرا اولی عطیه الهی است که دنباله‌اش ذکر خداست: ﴿اعطیناک الکوثر فصل﴾ و دومی یک رقابت منفی که دنباله‌اش غفلت از خداست. ﴿الهاکم التکاثر﴾ کوثر ما را به مسجد می‌برد برای نماز: ﴿فصل لربک﴾ و تکاثر ما را به گورستان می‌برد برای سرشماری مردگان. ﴿حقی زرت المقابر﴾ در عطای کوثر بشارت است: ﴿اتّاعطیناک الکوثر﴾ و در تکاثر تهدیدهای پی در پی. ﴿کلاً سوف تعلمون ثم کلاً سوف تعلمون﴾ کوثر، عامل رابطه با خالق است: ﴿اعطیناک الکوثر فصل﴾ و تکاثر، وسیله‌ای برای سرگرمی با مخلوق. ﴿الهاکم التکاثر﴾

□ کوثر که بزرگ‌ترین هدیه الهی است در کوچک‌ترین سوره قرآن مطرح شده است.  
 □ هدیه اشرف معبود به اشرف مخلوق چیزی جز کوثر نمی‌تواند باشد. ﴿اتّاعطیناک الکوثر﴾  
 □ در ماجرای فتح مکه که مشرکان دسته دسته و فوج فوج به اسلام وارد می‌شدند، خداوند تنها دستور تسبیح می‌دهد: ﴿رأیت الناس یدخلون فی دین الله أفواجا فسبح﴾ ولی برای عطا کردن کوثر می‌فرماید: ﴿فصل لربک﴾ نماز بگزار. گویا اهمیت کوثر از اسلام آوردن مشرکان بیش‌تر است.

□ عطای استثنایی در سوره استثنایی با الفاظ استثنایی:

عطا بی‌نظیر است، چون کوثر است؛ سوره بی‌نظیر است، چون کوچک‌ترین سوره قرآن است و الفاظ بی‌نظیرند، چون کلمات «اعطینا»، «الکوثر»، «صلی»، «انحر»، «شانک» و «ابتر» تنها در این سوره به کار رفته و در هیچ کجای قرآن شبیه ندارد.

□ هر زخم زبان و کلامی وزنی دارد. به شخص پیامبر اکرم توهین‌ها شد، کلماتی از قبیل مجنون، شاعر، کاهن و ساحر به او گفتند و به یاران او نیز توهین‌ها شد تا آنجا که گفتند: این بیچارگان را از خود دور کن تا ما دور تو جمع شویم. برای هیچ کدام سوره ای مستقل نازل نشد، اما در نسبت ابتر دادن یک سوره نازل شد که خیر کثیر به تو عطا کردیم و دشمن تو ابتر است و این به خاطر آن است که جسارت به شخص و یاران قابل تحمّل است، اما جسارت به راه و مکتب که او ابتر و راه او گذرا و بی‌آینده است، قابل تحمّل نیست.

□ گاهی جسارت برخاسته از لغوگویی است که باید با کرامت از کنارش گذشت. ﴿إِذَا مَرَّوَا بِاللَّغْوِ مَرَّوَا كِرَامًا﴾

گاهی جسارت به خاطر جو فاسد و دوستان ناباب است، که باید از آنان اعراض کرد. ﴿إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ﴾<sup>(۱)</sup>

اما گاهی جسارت به مکتب و رهبر است، آن هم از سوی افراد سرشناس و سیاسی که باید جواب سخت به آن داده شود. ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ همان گونه که منافقان از روی غرور می گفتند: آیا ما مثل افراد بی خرد به پیامبر ایمان بیاوریم. ﴿أَتُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السِّفْهَاءُ﴾ قرآن، جسارت اینگونه افراد را چنین پاسخ می دهد: ﴿الْأَئْتَمُّ هُمُ السِّفْهَاءُ وَ لَكِن لَّا يَعْلَمُونَ﴾<sup>(۲)</sup> آنان خود بی خردند ولی نمی دانند!

□ شتر در قرآن، هم در بحث توحید مطرح شده است: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خَلَقْتَهُ﴾<sup>(۳)</sup> هم در مورد مقدمات قیامت نام آن آمده است، ﴿وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ﴾<sup>(۴)</sup> هم در احکام و شعائر حج مطرح شده است، ﴿وَ الْبُيُوتُ جَعَلْنَاهَا﴾<sup>(۵)</sup> و هم مورد قربانی و کمک رسانی به جامعه قرار گرفته است. ﴿وَ انْحَرِ﴾

□ بر اساس روایات، مراد از ﴿وَ انْحَرِ﴾ آن است که به هنگام گفتن تکبیرها در نماز، دستان تا مقابل گودی زیر گلو که محل نحر است، بالا آورده شود که این زینت نماز است.<sup>(۶)</sup>

□ بر اساس روایات، آن دشمن کینه توزی که به پیامبر اکرم جسارت کرد و او را ابتر خواند، پدر عمرو عاص بود.

□ خداوند هم سبب ساز است هم سبب سوز. او می تواند از یک فاطمه کوثر بیافریند و می تواند افرادی را که پسران رشید دارند به فراموشی بسپارد.

او می تواند دریا را با زدن عصای موسی خشک، ﴿إِضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ﴾<sup>(۷)</sup> و با زدن همان عصا به سنگ، دوازده چشمه جاری سازد. ﴿وَ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجْرَ فَانْفَجَرَتْ﴾<sup>(۸)</sup>

۱. انعام، ۶۸.	۲. بقره، ۱۳.	۳. غاشیه، ۱۷.
۴. تکویر، ۴.	۵. حج، ۳۶.	۶. تفسیر مجمع البیان.
۷. شعراء، ۶۳.	۸. بقره، ۶۰.	

## پیام‌ها:

- ۱- خداوند به وعده‌های خود عمل می‌کند. در سوره ضحی، خداوند وعده‌ی عطا به پیامبر داده بود: ﴿وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ﴾<sup>(۱)</sup> پروردگارت در آینده عطائی خواهد کرد که تو راضی شوی. در این سوره می‌فرماید: ما به آن وعده عمل کردیم. ﴿إِنَّا اعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾
- ۲- فرزند و نسل عطیّه الهی است. ﴿إِنَّا اعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾
- ۳- نعمت‌ها حتی برای پیامبر اسلام مسئولیت‌آور است. ﴿اعْطَيْنَاكَ... فَصَلِّ﴾
- ۴- در قرآن به نماز یا سجده شکر سفارش شده است. ﴿فَصَلِّ﴾
- ۵- تشکر باید فوری باشد. ﴿فَصَلِّ﴾ (حرف فاء برای تسریع است)
- ۶- نوع تشکر را باید از خدا بیاموزیم. ﴿فَصَلِّ﴾
- ۷- در نعمت‌ها و شادی‌ها خداوند را فراموش نکنیم. ﴿اعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ﴾
- ۸- آنچه می‌تواند به عنوان تشکر از کوثر قرار گیرد، نماز است. ﴿فَصَلِّ﴾  
(نماز جامع‌ترین و کامل‌ترین نوع عبادت است که در آن هم قلب باید حضور داشته باشد با قصد قربت و هم زبان با تلاوت حمد و سوره و هم بدن با رکوع و سجود. مسح سر و پا نیز شاید اشاره به آن باشد که انسان از سر تا پا بنده اوست. در نماز بلندترین نقطه بدن که پیشانی است، روزی سی و چهار بار بر زمین ساییده می‌شود تا در انسان تکبری باقی نماند. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه معروف خود فرمود: فلسفه و دلیل نماز پاک شدن روح از تکبر است. «تنزیهاً لکم من الکبر»)
- ۹- دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می‌داند، دین هم به همان فرمان می‌دهد. ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ﴾
- ۱۰- چون عطا از اوست: ﴿إِنَّا اعْطَيْنَا﴾ تشکر هم باید برای او باشد. ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ﴾

۱. ضحی، ۵.

- ۱۱- قربانی کردن، یکی از راههای تشکر از نعمت‌های الهی است. (زیرا محرومان به نوایی می‌رسند.) ﴿و انحر﴾
- ۱۲- هر که بامش بیش برفش بیشتر. کسی که کوثر دارد، ذبح گوسفند کافی نیست باید شتر نحر کند و بزرگ‌ترین حیوان اهلی را فدا کند. ﴿و انحر﴾
- ۱۳- رابطه با خداوند بر رابطه با خلق مقدم است. ﴿فصل... و انحر﴾
- ۱۴- انفاقی ارزش دارد که در کنار ایمان و عبادت باشد. ﴿فصل لربك وانحر﴾
- ۱۵- شکر عطا گرفتن از خدا، عطا کردن به مردم است. ﴿اعطیناک الکوثر... وانحر﴾
- ۱۶- نمازی ارزش دارد که خالصانه باشد، ﴿لربك﴾ و انفاقی ارزش دارد که سخاوت‌مندانه باشد. ﴿وانحر﴾
- ۱۷- دشمنان پیامبر و مکتب او ناکام هستند. (کلمه شائنی اسم فاعل است و شامل هر دشمنی در گذشته و حال و آینده می‌شود. اگر می‌گفت: «من شانک هو الایتر» تنها کسانی را که در گذشته دشمنی کرده‌اند شامل می‌شد و اگر می‌گفت: «من یشونک هو الایتر» تنها دشمنان آینده را در برمی‌گرفت. ﴿انّ شانک هو الایتر﴾)
- ۱۸- توهین به مقدّسات، توبیخ و تهدید سخت دارد. ﴿انّ شانک هو الایتر﴾
- ۱۹- از متلک‌ها و توهین‌ها نهراسیم که خداوند طرفداران خود را حفظ می‌کند. ﴿انّ شانک هو الایتر﴾
- ۲۰- زود قضاوت نکنیم و تنها به آمار و محاسبات تکیه نکنیم که همه چیز به اراده خداوند است. (مخالفان، با مرگ پسر پیامبر و داشتن پسران متعدّد برای خود، قضاوت کردند که پیامبر ابتر است، ولی همه چیز برعکس شد.) ﴿انّا اعطیناک الکوثر... انّ شانک هو الایتر﴾

«والحمد لله ربّ العالمین»